

تحلیل مناقشات قومی - دینی میان مسیحیان و مسلمانان

در شبه جزیره کریمه

حجت مهکویی^۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۴/۶

چکیده

خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی در اثرگذاری بر روابط میان گروه‌های قومی - دینی در یک کشور و منطقه، نقش و جایگاه با اهمیتی دارند. مناطق گوناگون در جهان، با توجه به وجود شرایط متفاوت جغرافیایی، دارای ساختار متفاوتی از منظر فرهنگی هستند. این مسأله در شبه جزیره کریمه نیز وجود دارد، یعنی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اقوام مختلف ساکن در این شبه جزیره، اختلافات قومی - دینی به عنوان یک مسأله چالشی، روابط میان مسیحیان ارتدوکس و مسلمانان تاتار را تحت الشعاع قرار داده است. جمهوری خودمختار کریمه به طور استراتژیک بخش مورد اهمیت در منطقه ژئوپولیتیکی اوراسیا و قفقاز می‌باشد و همواره مورد توجه روسیه بوده است. در حال حاضر، مردم در جمهوری خودمختار کریمه در یک تجدد دینی، به سر می‌برند. تمام گروه‌های قومی در شبه جزیره در حال احیاء کردن روحانیت و خودآگاهی ملی - دینی‌شان هستند. این مقاله، با رویکرد ژئوپولیتیک اقلیت‌ها و ژئوکالچر در قالب نظریه نظام بین‌المللی و کشمکش‌های قومی به تحلیل موضوع پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل ویژگی‌های قومی - دینی در شبه جزیره کریمه می‌باشد. این مقاله به روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی به بررسی مناقشات قومی - دینی میان مسیحیان و مسلمانان در این شبه جزیره پرداخته است. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روابط قومی - دینی میان مسیحیان و مسلمانان با مناقشات، چالش‌ها و اختلافاتی همراه است؛ مسیحیان ارتدوکس با تاتارهای مسلمان که از ساکنان اولیه در این شبه جزیره می‌باشند روابط خوبی ندارند.

واژگان کلیدی: شبه جزیره کریمه، ژئوکالچر، قوم، مسلمانان، مسیحیان ارتدوکس

۱۹۷

سیاست جهانی

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

نویسنده مسئول، ایمیل: hojat_59_m@yahoo.com

مقدمه

تفاوت‌های فرهنگی همواره میان اقوام درون کشورها، وجود دارد. در برخی مناطق و سرزمین‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی ناشی از قومیت، مذهب، زبان و ... چالش‌ها و درگیری‌هایی شکل گرفته است. می‌توان گفت که تفاوت‌های فرهنگی که زمینه‌ساز و باعث ایجاد درگیری و چالش درون یک قلمرو می‌شود، ریشه در هویت‌خواهی یک قوم ساکن در سرزمینی مشخص دارد. این مسأله در شبه جزیره کریمه نیز وجود دارد، در این شبه‌جزیره، موزاییکی از اقوام، دین و مذاهب مختلف را می‌توان مشاهده کرد. در این جمهوری خودمختار، عمده اختلافات میان تاتارهای مسلمان و مسیحیان ارتدوکس می‌باشد. شبه‌جزیره کریمه یکی از مکان‌هایی است که در تفکرات دولتمردان روسیه به عنوان یک قلمرو ژئواستراتژیک مطرح است. این شبه جزیره در سال ۱۹۵۴ از سوی خروشف به اکراین هدیه داده شد. اما بعد بیش از نیم قرن، در سال ۲۰۱۴ در بحران اکراین و جنگ روسیه با این کشور، دوباره در یک همه پرسی به روسیه ملحق شد. به علاوه به دلیل نگاه و توجه روسیه به قفقاز است که همواره خواهان در اختیار داشتن این شبه‌جزیره است. شاید داشتن یکی بدون دیگری برای روسیه از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک چندان مفید فایده نباشد.

در حال حاضر، مردم در جمهوری خودمختار کریمه در یک تجدد دینی، به سر می‌برند. تمام گروه‌های قومی در شبه‌جزیره کریمه در حال احیاء کردن روحانیت و خودآگاهی ملی - دینی‌شان هستند. تعداد مؤسسات آموزشی - دینی همراه با شمار اجتماعات مذهبی در حال رشد است. روحانیون تبدیل به گروه اجتماعی شده‌اند. مراکز مذهبی مشغول برقراری ارتباطات با صاحبان مذاهب خارجی هستند. به تدریج مذهب در حال به دست آوردن جای پای وسیع‌تری در زندگی اجتماعی (یعنی در میان خانواده، ارتباط‌های مردان و زنان، روابط اجتماعی، تعطیلات ملی و ...) می‌باشد. مذهب به بخشی از آزادی روحی و فردی تبدیل شده است و به توسعه‌های جامعه مدنی کمک می‌کند. لاجرم با توجه به وضعیت مسائل قومی - دینی در این شبه جزیره، این مقاله، با توجه به رویکرد ژئوپولیتیک اقلیت‌ها و ژئوکالچر در قالب نظریه نظام بین‌المللی و کشمکش‌های قومی به تحلیل موضوع پرداخته است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش

کیفی و با ماهیت روش تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی به تحلیل مسائل قومی-دینی در شبه‌جزیره کریمه می‌پردازد. سؤال اصلی مقاله این است که روابط قومی-دینی میان مسیحیان و مسلمانان در شبه‌جزیره کریمه چگونه است؟ بر این اساس در پی پاسخ به این سؤال، فرضیه مطرح این گونه جواب می‌دهد که روابط قومی-دینی میان مسیحیان و مسلمانان در شبه‌جزیره کریمه خوب نیست. در راستای متغیرهای تحقیق یعنی مسائل قومی-دینی و مسلمانان و مسیحیان، نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روابط قومی-دینی میان مسیحیان و مسلمانان با مناقشات، چالش‌ها و اختلافاتی همراه است؛ مسیحیان ارتدوکس با تاتارهای مسلمان که از ساکنان اولیه در این شبه‌جزیره می‌باشند روابط خوبی ندارند.

۱. رهیافت نظری

۱-۱. مفهوم ژئوکالچر

«از دیدگاه اصطلاح‌شناسی، واژه ژئو در ابتدای مفهوم ژئوکالچر، دارای مفهوم و بار ارزشمند جغرافیایی است که پرداختن به آن مستلزم گشودن بحثی در خصوص مفاهیم کلیدی، مکان و فضا در ادبیات جغرافیایی، به ویژه در جغرافیای سیاسی نوین است. مکان، کانون همه فعالیت‌های بشری محسوب می‌شود و هویت‌های فردی و اجتماعی مردم، همواره از مکان و ویژگی‌های آن مایه می‌گیرد. مکان نه فقط یک کالبد فیزیکی، بلکه منشاء بسیاری از احساسات، بینش‌ها و رفتارهای انسانی است. این همان مفهومی است که امروزه بدان احساس مکانی گفته می‌شود که مبنای بسیاری از رفتارهای اجتماعی بشر و به ویژه تحولات جهان سیاست می‌باشد» (حیدری، ۱۳۸۳: ۹۷-۹۶).

با توجه به مفاهیم مکان و فرهنگ، دو مفهوم جغرافیای فرهنگی و ژئوکالچر، این گونه تعریف می‌شوند. ژئوکالچر «فرایند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش، و جابه‌جایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین‌اند (حیدری، ۱۳۸۳: ۹۴) همچنین اثر برخوردی فرهنگ بر شکل‌گیری‌های سیاسی، ژئوکالچر نامیده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲). اما جغرافیای فرهنگی عبارت است از مطالعه خوراک، پوشاک، موسیقی، کشاورزی، آیین، سنن، آداب

و رسوم، مذهب و زبان کشورهای دنیا، توزیع مکانی و مطالعه علل این توزیع (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۲۱۸). بنابراین جغرافیای فرهنگی هم به وجوه اختلاف فرهنگ مادی گروه‌ها توجه دارد، هم به عقایدی که آن‌ها را در کنار هم نگه داشته و به یکدیگر پیوند زده است. همچنین به تنوع و کثرت زندگی مردم و شیوه‌های گوناگون آن می‌پردازد؛ اینکه دنیا، فضاها و مکان‌ها، چگونه به وسیله مردم مورد تفسیر و استفاده قرار می‌گیرند و سپس چطور آن مکان‌ها به جاودانگی فرهنگ کمک می‌کنند (کرنگ، ۱۳۸۳: ۶).

۲-۱. ژئوپلیتیک اقلیت‌ها

ایولاکست (۱۹۷۸) جغرافیادان فرانسوی، ژئوپلیتیک را این گونه تعریف می‌کند: «درگیری و رقابت میان گروه‌ها بر سر سرزمین نه فقط به دلایل اقتصادی بلکه به دلایل تاریخی، ملی و روانی. بنابراین ایولاکست مطالعات ژئوپلیتیک را نه فقط منحصر به مقیاس جهانی بلکه در مقیاس منطقه‌ای و درون کشوری هم ممکن می‌داند» (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۳۶). گروه‌های اکثریت و اقلیت، توانایی ایفای ثبات را با برقراری رابطه مسالمت‌آمیز در یک سرزمین دارند. حضور ملیت‌های گوناگون در یک کشور نیروی گریز از مرکزی به حساب می‌آید که در صورت عدم توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها، اتحاد ملی را از هم می‌گسلد. حتی کشورهایی که نام یک گروه ملیتی خاص را بر خود گذاشته‌اند، بیشتر به صورت اسمی وجود دارند تا واقعی. آندوران‌ها در کشور آندورا، اقلیت به حساب می‌آیند، درست مانند بریات‌ها که یک گروه اقلیت در بریات که یک جمهوری سوسیالیستی خودمختار در شوروی سابق بودند، تعداد آن‌ها در منطقه ویژه خودشان، از روس‌ها کمتر بود. در حقیقت بسیاری از مردم ساکن در کشورهای چندملیتی، تمایل خود را به استقلال یا خودمختاری سیاسی، بیشتر بروز داده‌اند (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۲۴).

«مفهوم اقلیت‌ها در جمعیت‌های ملی بیانگر معیاری خشک و ماشینی است که می‌تواند غیرواقعی باشد. اقلیت بودن یک گروه هم به معنای کم تعدادتر بودنش است و هم اینکه به طور کامل بخشی از کل جمعیت محسوب نمی‌شود. در آمریکا واژه اقلیت غالباً برای اشاره به غیر سفیدها به کار رفته است، اما مثلاً زمانی که بومیان آمریکای لاتین اقلیت

محسوب می‌شوند، از شفافیت این واژه کاسته می‌شود. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، اقلیت را این گونه تعریف می‌کند: گروهی که در یک کشور تعداد آن‌ها از بقیه جمعیت کمتر بوده و با وجه تمایز نسبت به دیگران در یک موقعیت غیرغالب قرار دارند و برای حفظ فرهنگ خود دارای نوعی حس انسجام و همبستگی هستند. براساس ماده ۱۵ بیانیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، هر انسانی دارای حق تعلق به یک ملیت است؛ ماده ۷ تبعیض را منع می‌نماید؛ و ماده ۲۱ اعلام می‌دارد که هر شخص حق دارد در دولت کشور خود مشارکت نماید» (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۵۷).

اقلیت واجد صفاتی نظیر زبان، قومیت، دین و مذهب است که هویت موصوف را در قبال محیط پیرامون آن توضیح می‌دهد و آن را در شرایط حاشیه‌ای ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی قرار می‌دهد و وضعیت خاصی از نظر حقوقی و جامعه‌شناختی برای آن‌ها، به وجود می‌آورد. به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های اکولوژیکی تعبیر نمود و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیرمنسجم و پراکنده در میان اکثریت، که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی با ادغام شده تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های مختلف وجود دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود می‌باشد. اگر اقلیت از وزن ژئوپولیتیکی قابل توجهی نسبت به اکثریت پیرامونی برخوردار باشد دچار نوعی احساس خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود را از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر، و نهایتاً استقلال سیاسی را مطرح می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۱).

از مسائل اصلی که باعث تحریک اقلیت‌ها و مطالبه‌خواهی از سوی آن‌ها را مطرح می‌کند، هویت‌خواهی است. زیرا «هویت پاسخی به نیاز طبیعی انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است. پویایی این پدیده‌های مادی و معنوی مفهوم ملت را واقعیت می‌بخشد؛ پدیده‌هایی چون یک سرزمین سیاسی مشترک، یک دین مشترک، یک زبان مشترک، یک سلسله خاطرات

سیاسی مشترک، برخی دیدگاه‌های اجتماعی مشترک و یک سلسله آداب و سنن و ادبیات و هنرهای مشترک. مجموعه‌ای از این همه مفاهیم شناسنامه‌ای ملی پدید می‌آورد که هویت ملی یک گروه انسانی یا یک ملت را واقعیت می‌بخشد» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۶۶). در دنیای کنونی «اگر ستیزهای کوچک قومیت‌های مختلف را نادیده بگیریم، حدود ۳۷ جنگ و ستیز داخلی عمده را می‌توان در جهان شناسایی کرد که تقریباً همه آن‌ها دارای یک جنبه مهم قومی هستند و در هر کدام از آن‌ها بیش از هزار نفر کشته شده‌اند. تقریباً نیمی از ستیزهای قومی از سال ۱۹۸۹ به این سو که پایان جنگ سرد و آغاز به اصطلاح نظم جهانی جدید بود آغاز شده است. بنابراین از جمله عوامل مهم تعارضات اجتماعی و سیاسی به ویژه در کشورهای جهان سوم، شکاف‌ها و تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی‌اند. البته شکاف‌های فرهنگی، قومی، زبانی محصول تصادفات تاریخی و چگونگی تکوین یک کشور از نظر تاریخی بوده‌اند مثلاً وجود تنوعات قومی در یک کشور ناشی از عوامل گوناگون است برخی از کشورهای امروزی که سابقه امپراطوری داشته‌اند، ترکیب بیشتری از اقوام و مذاهب و گروه‌های زبانی - فرهنگی را در بر دارند. هم چنین مهاجرت‌های عمده در سطح جهان موجب ترکیب اقوام در برخی کشورها گردیده است.»

۳-۱. اقوام، دین، مذهب و چگونگی شکل‌گیری چالش‌های سیاسی - فرهنگی

واژه قوم به نسبت واژه‌هایی چون جمعیت که چه به صورت مفرد و چه به صورت بسیار عمومی و مبهم هستند و نسبت به واژه‌هایی چون عوام، قبیله یا هُرد که به روشنی جنبه توهین‌آمیز دارند، برتری دارد. بنابراین واژه قوم به صورت هر چه گسترده‌تری درباره گروه‌های انسانی خاصی به کار می‌رود که به دلایلی چون ابهام در حدود آن‌ها، فقدان نهادهای سرزمینی، عدم توسعه، خرد و کوچک بودن و بالاخره غرابت آن‌ها، این امکان را ایجاد کرده است که اصولاً وجودشان زیر سؤال برود. که می‌تواند به صورت گروه اکثریت و یا اقلیت در یک جامعه نمایان باشند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۵۴).

قوم با ویژگی‌هایی مانند دین و مذهب مشترک، زبان و ... مشخص می‌شود؛ شاید بتوان گفت دین، مذهب و زبان بیش از دیگر ویژگی‌ها در شکل‌گیری یک قوم نقش داشته باشند. از زمان گرایش انسان به سمت دین و مذهب و بعد از آن، در تمام دوران‌ها

مذهب نقش مهمی در زندگی مردم بازی کرده است. مثلاً در اروپا کلیسا به عنوان نیروی مؤثری برای احیای اخلاقی جامعه دیده شده است. مذهب به معنای احساسات و رویدادهایی که برای انسان در عالم تنهایی و در اجتماع روی می‌دهد در گذشته، یکی از عوامل مؤثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم‌وبیش نقش آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و نیز زبان است. به گونه‌ای که می‌توان گفت در دو دهه گذشته، مذهب به عرصه ژئوپولیتیک بازگشته است.

مذهب از این جهت مورد مطالعه جغرافیادانان است، که برای فهمیدن چگونگی اشغال کره زمین اساسی است. جغرافیادانان، مکان مذاهب مختلف جهان را با مدارک مورد بررسی قرار می‌دهند و توضیحاتی را برای اینکه چرا برخی مذاهب توزیع‌های پراکنده داشته و برخی دیگر متمرکز هستند را ارائه می‌کنند. برای شناخت اینکه چرا برخی مذاهب توزیع‌های گسترده‌ای نسبت به مذاهب دیگر دارند، به اختلاف‌هایی که در ادای فرایض دینی وجود دارد، نیز نظر می‌اندازند.

«گلانسر به نقش مذهب در پدیده‌های سیاسی اشاره می‌کند و برخی از موارد آن را این‌گونه بر می‌شمارد: ظهور ایرلند به دلیل وجود دو مذهب کاتولیک و پروتستان، سوریه به سبب وجود مسلمانان و مسیحیان، هند به دلیل وجود دو دین اسلام و مذهب هندو، فلسطین به واسطه وجود یهودیان و مسلمانان، نمونه‌هایی هستند که نقش آفرینی مذهب در آن‌ها نمایان است. در هر کدام از این مناطق، زمانی که نقشه سیاسی دنیا و دوره تاریخی منطبق با آن تغییر می‌کرد، گروه اقلیتی در واحدهای جدید شکل می‌گرفتند و بعضی از آن‌ها مشکلاتی را در راه آمیزش با نظام ملی به وجود می‌آوردند. اهمیت عامل دین و مذهب در برخی از مناطق ذکر شده به اندازه‌ای بود که باعث تجزیه همه‌جانبه و از بین رفتن اتحاد ملی شد. مانند تجزیه شبه قاره هند به دو کشور پاکستان و هند که صرفاً به دلیل اختلافات دینی و مذهبی میان مسلمانان و هندوها در سال ۱۹۴۷ میلادی اتفاق افتاد» (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۲). دیوید هاروی (۲۰۰۵) معتقد است که وقتی قدرت دولت کمرنگ می‌شود، نقش فرقه‌های مذهبی و آیین‌های ناسوتی، تبهکاری،

شبکه‌های قاچاق و ... به سرعت افزایش می‌یابد. در این حالت که فرقه‌های مذهبی نقش پررنگی پیدا می‌کنند، چرخش افراد به مذهب قابل توجه است. «گزارش‌های مربوط به ظهور ناگهانی و افزایش سریع فرقه‌های مذهبی در مناطق روستایی ویران چین، صرف‌نظر از ظهور فولان کانگ، نشان دهنده این روند است. پیشرفت سریع تبلیغات مذهب پروتستان انجیلی (اوانجلیکان) در اقتصادهای غیررسمی عنان گسیخته که در نتیجه اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در آمریکای لاتین شکوفا شده‌اند، احیاء یا پیدایش جدید قبیله‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی که بر سیاست بیشتر کشورهای آفریقا و خاورمیانه حاکم شده‌اند، حاکی از نیاز به ایجاد سازوکارهای معنی‌داری برای همبستگی اجتماعی است.

پیشرفت مسیحیت انجیلی بنیادگرا در ایالات متحده، رابطه‌ای با عدم امنیت شغلی فزاینده، از بین رفتن سایر شکل‌های همبستگی اجتماعی، و توخالی بودن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری، دارد. به روایت توماس فرانک، حقوق مذهبی در کانزاس آمریکا، فقط در پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی در پی یک دهه یا بیشتر از بازسازی و صنعت‌زدایی نئولیبرالی، گل کرد. این روابط ممکن است تصنعی و اغراق آمیز به نظر برسند. ولی اگر پولانی درست گفته باشد و تلقی از کار به عنوان یک کالا به نابسامانی اجتماعی بینجامد، آن گاه برای بازسازی شبکه‌های اجتماعی متفاوت برای دفاع در برابر دفاع یک چنین خطری بیش از پیش محتمل می‌شود» (هاروی، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

در حال حاضر در جهان «برخوردهای مذهبی، قومی و نژادی در حال افزایش است. براساس گزارش‌ها در طی دو دهه گذشته، تعداد بحران‌های انسانی از متوسط ۲۵-۲۰ در سال، به ۷۰-۶۵ رسیده است، در حالی که تعداد مردمی که تحت تأثیر واقع می‌شوند، بیش از این نسبت افزایش یافته است» (پورا احمد، ۱۳۸۶: ۲۲۶). امروزه نقش اختلافات مذهبی و ارزش‌های دینی را بیشتر از همه جای دنیا می‌توان در محدوده جغرافیایی خاورمیانه مشاهده کرد. این محدوده جغرافیایی در زمره مناطقی است که از بعد تمایز نسبت به سایر مناطق درصد بالایی از تفاوت‌ها را به خود اختصاص داده است. به علاوه در نقشه توزیع گروه‌های مذهبی و به ویژه از ناحیه برخی از واحدهای این محدوده یکی دیگر از متغیرهای ژئوپولیتیکی موجود در شبکه خاورمیانه‌ای است که در ابعاد

امنیت منطقه‌ای و گفتمان‌های امنیتی موجود در شبکه تأثیر گذار می‌باشد. برای مثال می‌توان به عنوان شدن هلال شیعی از سوی ملک عبدالله پادشاه اردن اشاره کرد که شیعه‌گرایی را در خاورمیانه به عنوان یک تهدید قلمداد نموده است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۷). اگرچه دین عامل اصلی درگیری‌ها و جنگ‌های محلی و منطقه‌ای نیست؛ اما می‌توان گفت که مذهب به عنوان دستاویزی برای جنگیدن و توسل به خداوند برای فتح و پیروزی سیاسی و نظامی در سرزمین‌های دیگر همیشه وجود داشته است. بهترین نمونه آن جنگ‌های صلیبی مسیحیان و جهاد مسلمانان است. قابل ذکر است که بیشتر کشتارهای قرن بیستم زائیده جنگ‌های مذهبی و دینی نبوده است بلکه کشتارهایی که در قرن گذشته به وقوع پیوست توسط رهبران لائیک ضددینی مانند هیتلر، استالین، مائو، پول پوت (رهبر خم‌های سرخ) در ویتنام، اتفاق افتاد. آنان در مبارزات حزبی و عقیدتی خود، اسمی از دین یا جنگ‌های دینی نبردند. اگر هم بر حسب مورد به قتل عام گروه‌های قومی خاصی اقدام کرده‌اند، مانند

هیتلر در مورد کشتار یهودیان در آلمان و استالین در مورد مسلمانان در چچن، مسأله پاکسازی قومی مطرح بوده است. موضوعی که امروزه قابل توجه است، مباحثات و گفتار فزاینده سران دولت‌ها درباره دین است. در جنگ آمریکا و عراق، سران هر دو کشور از حربه دین برای جلب و تقویت جنگاوران، بهره‌برداری کردند. جورج بوش پروتستان مذهب، در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ میلادی بیان کرد که خداوند به سرزمین ما و مدافعان آن، خیر و برکت عطاء فرماید. صدام حسین دیکتاتور عراقی در روز اول آوریل ۲۰۰۳ میلادی خطاب به مردم عراق ضمن فرا خواندن آن‌ها با کفار اعلام نمود: کسانی که در میدان مبارزه و جنگ کشته شوند به بهشت جاودان خواهند رفت (... آی مردم! از این موقعیت و موهبت الهی حداکثر استفاده را ببرید و با دشمنان بجنگید، آنان را بکشید، زیرا آنان مهاجمان شیطان صفت و نفرین شده الهی هستند (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

۴-۱. نظریاتی پیرامون چالش‌های قومی-دینی و مذهبی

بحث منازعه گروه‌های قومی که در دهه‌های اخیر مطرح گردیده است، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای دولت‌ها مطرح است، چرا که از ۲۰۵ کشور جهان، ۱۲۰ کشور

دارای اقلیت‌های سیاسی هستند. عمده‌ترین نظریات مربوط به سیاسی شدن اختلافات زبانی - قومی، دینی و مذهبی در قرن بیستم در جدول شماره ۱ بیان شده‌اند.

جدول ۱- نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری آن‌ها در ارتباط با سیاسی شدن اختلافات قومی

نظریه/دیدگاه

نظریه رقابت بر سر منابع

این نظریه معتقد است که کشمکش و اقدام جمعی نژادی - قومی زمانی روی می‌دهد که دو یا چند گروه قومی بر سر منابع محدود به رقابت بپردازند. در اینجا، ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت - ملت چارچوبی فراهم ساخته که در آن رقابت بر سر منابع و به ویژه مشاغل دولتی انگیزه تعارض در بین اقوام را فراهم کرده است. نظریه رقابت بر سر منابع بر اساس این رهیافت ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت - ملت خاص، چارچوبی فراهم می‌سازد که در آن رقابت بر سر منابع - به ویژه مشاغل دولتی - انگیزه عمده کشمکش میان قومی را به وجود می‌آورد. هویت‌یابی قومی به عنوان اساس اقدام جمعی زمانی تحقق می‌پذیرد و حفظ می‌شود که امتیازات آشکاری وجود داشته باشد که با تکیه بر هویت قومی بتوان برای دست یافتن به آن با دیگران رقابت کرد.

نظریه کانون - پیرامون

این نظریه توسط مایکل هشتر متأثر از بحث‌های کانون - پیرامون والرش‌تاین و فرانک اخذ شده است و این تفکر را در سطح محلی به کار گرفته است. وی بسیج قومی را حاصل نابرابری‌های ناحیه‌ای میان یک مرکز فرهنگی متمایز و پیرامون آن می‌داند. نخبگان می‌خواهند جمعیت پیرامونی داخل را حفظ و ادغام نمایند در نتیجه عوامل فرهنگی سیاسی می‌شوند و بسیج قومی مثل خودمختاری و... به وجود می‌آید.

نظریه انتخاب حسابگرانه

این نظریه را منکور اولسون نه برای تحلیل مسائل قومی بلکه برای تحلیل اقدام جمعی ارائه کرده است و معتقد است که انسان‌ها با محاسبه سود و زیان دست به عمل می‌زنند؛ لذا هر گروه قومی تنها زمانی به اقدام جمعی دست می‌زند که متقاعد شود از این طریق نفع مشخصی عاید آن‌ها می‌شود.

نظریه رقابت نخبگان

توسط نظریه‌پردازانی چون هانس کوهن و آنتونی اسمیت طرح شده است. از نظر این‌ها گسترش کنترل دولت و گرایش‌های بیشتر به جانب تمرکز، باعث ایجاد شرایط مناسب برای بسیج ایدئولوژیک توسط روشنفکران شده است. این بسیج قومی جهت کسب قدرت سیاسی ممکن است در مقابل اقدام دیگر نیز صورت گیرد.

نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی

توسط فورینوال و اسمیت مطرح شده است. در اینجا، در جوامعی که از تكثر گروه‌های قومی برخوردارند نخبگان یک گروه قومی دولت را در دست می‌گیرند و بر سایر گروه‌ها اعمال سلطه می‌کنند.

نظریه نظام بین‌المللی و کشمکش‌های قومی

این نظریه توسط افرادی مانند جان برتون بحث شده است. این دیدگاه معتقد است که سیاست قدرتمندانه در روابط بین‌الملل، که سرچشمه آن مکتب واقع‌گرایی سیاسی است مشوق گسترش قومیت در کشمکش‌های قومی بوده و به آن دامن زده است.

ترسیم: نگارنده 14,1396/post/guiaumalayer.blogfa.com/http://

۲. یافته‌های تحقیق

۲-۱. جمهوری خودمختار کریمه و اهمیت ژئوپولیتیکی آن

شبه‌جزیره کریمه، جمهوری خودمختاری است که از طرف جنوب و غرب با دریای سیاه و از شرق با دریای آزوف احاطه شده و با باریکه‌ای در شمال به اوکراین متصل گردیده است. جمعیت آن در سال ۲۰۱۴ میلادی ۱ ۹۸۸ ۴۸۵ نفر بوده است که با در نظر گرفتن ۳۹۵۰۰۰ نفر جمعیت شهر سوستاپول، کل شبه‌جزیره کریمه ۲ ۳۸۳ ۴۸۵ جمعیت دارد و پایتخت آن شهر سیمفروپول است. از نظر مذهبی در سال ۲۰۱۳، مسیحیان ارتدوکس ۵۸ درصد و به دنبال آن مسلمانان ۱۵ درصد از جمعیت کریمه را تشکیل می‌دهند بنا بر آمار سال ۲۰۱۳ میلادی اقوام کریمه عبارت‌اند از: روس ۵۸/۳۲ درصد، اوکراینی ۲۴/۳۲ درصد، تاتار کریمه ۱۲/۱ درصد، روس سفید ۱/۴۴ درصد، ارمنی ۴۳/ درصد، یهودی ۲۲/ درصد، و دیگر اقلیت‌ها: لهستانی، آذربایجانی، کره‌ای، یونانی، آلمانی و کولی‌ها هستند. این شبه‌جزیره بر کرانه دریای سیاه قرار دارد و بخشی از کشور اوکراین بوده است. وسعت این جمهوری ۲۶ ۲۰۰ کیلومترمربع است. در حال حاضر موزاییکی از اقوام و مذاهب مختلف را در شبه‌جزیره کریمه مشاهده می‌کنیم.

این شبه‌جزیره در گذشته در قلمرو سرزمینی روسیه بوده، و در هفدهمین شورای عالی جمهوری روسیه شوروی در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۴۶ قانون مربوط به تبدیل جمهوری خودمختار کریمه به استان کریمه تصویب شد. اما در سال ۱۹۵۴ میلادی از سوی نیکیتا خروشوف (۱۹۷۱-۱۸۹۴) در دوران رهبری او بر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۶۴-۱۹۵۳) به اوکراین هدیه داده شد. در نخستین ماه‌ها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، حاکمیت سرزمینی شبه‌جزیره کریمه دوباره مورد مناقشه بین روسیه و اوکراین قرار گرفت. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۹۴ و شیخ‌غفوری، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

«شورای عالی روسیه در سال ۱۹۹۲ میلادی با لغو مصوبه ۱۹۵۴ میلادی که کریمه را به اوکراین الحاق کرده بود، این منطقه را جزو روسیه اعلام کرد و شورای عالی کریمه نیز در سال ۱۹۹۲ میلادی خود را یک جمهوری خودمختار اعلام کرد. اما اوکراین بر آن بود

۲۰۷

سیاست جهانی



که این منطقه را در خاک خود نگه دارد. در انتخابات سال ۱۹۹۴ میلادی، نخستین انتخابات برای ریاست کریمه، از ۵ نامزد انتخاباتی ۴ نفر طرفدار اتحاد با روسیه بودند. یوری لشکوف، برنده این انتخابات، گرایش به خودمختاری را افزایش داد» (پیشگامی فرد، ۱۳۸۶: ۶۰۶). این جمهوری خودمختار، شبه‌جزیره‌ای ناهموار و دارای موقعیت راهبردی در کرانه دریای سیاه است؛ اینک به مرکز ثقل بحرانی خطرناک تبدیل شده که روسیه و غرب را روبروی یکدیگر قرار داده است.

این سرزمین که از نظر وسعت تقریباً با کشور بلژیک برابر است، یک منطقه مهم کشاورزی نیز هست که به ویژه به کشت تنباکو شهرت دارد. کریمه به دلیل داشتن آب‌وهوای نیمه گرمسیری و نیز دارا بودن اقامتگاه‌های ساحلی متعدد، همچون مرکز گردشگری نیز مورد توجه بوده است.

در ماه‌های فوریه و مارس ۲۰۱۴، اوکراین به معنای واقعی کلمه زنجیره‌ای از رویدادهایی بود که در نهایت منجر به ادغام کریمه به قلمرو روسیه شد. تلاش‌های مشترک مقامات کریمه و روسیه در داخل از درگیری در اوکراین برای محروم کردن دولت اوکراین از کنترل آن بر کریمه، برای برگزاری همه‌پرسی و اعلام استقلال کریمه، استفاده کردند. در روز بعد از اعلام استقلال، پارلمان کریمه درخواست کریمه را برای الحاق به روسیه پذیرفته است (مارکسن، ۲۰۱۴: ۳۶۷).

شبه‌جزیره کریمه بعد از جنگ میان اوکراین و روسیه در سال ۲۰۱۳ میلادی وضعیت جدیدی به خود گرفت. پس از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ نیز کریمه بخشی از کشور مستقل اوکراین محسوب می‌شد اما در بحران سال ۲۰۱۴، مقامات کریمه با حمایت نیروهای نظامی روسیه خواستار جدایی از اوکراین شدند. «بحران ۲۰۱۴ در پی اعتراضات عمومی به خودداری حکومت ویکتور یاناکوویچ از پیوستن به چارچوب همکاری کشورهای شرق اروپا با اتحادیه اروپا در کنار چهار کشور دیگر در دسامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. اعتراضات تا ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ که یاناکوویچ طرفدار روسیه از قدرت خلع شد، ادامه یافت. پس از آن رهبری موقتی شکل گرفت که در آن الکساندر ترچینوف به عنوان رئیس جمهور، آرسنی یاتسنیوک به عنوان نخست‌وزیر مشغول کار شدند. انتخابات در ۲۵ می ۲۰۱۴ برگزار شد و پترو پوروشنکو به ریاست

جمهوری برگزیده شد» (رستمی، ۱۳۹۳: ۴۱) در ۱۱ مارس ۲۰۱۴ اعلامیه استقلال کریمه و سوستاپول منتشر شد و در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ یک همه‌پرسی از مردم کریمه برای پیوستن به روسیه برگزار گردید. ۸۱ درصد واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کرده و ۹۶،۷۷٪ به الحاق این شبه جزیره به روسیه رأی مثبت دادند. مسئولان کریمه روز ۱۶ مارس منطقه خودمختار خود را جمهوری کریمه اعلام کردند و همچنین از سازمان ملل خواستند تا آن را به عنوان یک کشور مستقل و خودمختار به رسمیت بشناسد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه نیز در حکمی به رسمیت شناخته شدن استقلال شبه جزیره کریمه را امضاء کرد. یک روز پس از به رسمیت شناختن استقلال کریمه توسط پوتین، وی رسماً توافقنامه الحاق این شبه جزیره به روسیه را امضاء و تأیید کرد. کاخ کرملین روسیه با انتشار سندی اعلام کرد رئیس‌جمهور روسیه از دولت و پارلمان این کشور خواست چنین توافقنامه‌ای را به تصویب برسانند و تأیید چنین توافقنامه‌ای را به‌جا و مناسب خواند. در ۲۰ مارس (۲۹ اسفند) مجلس نمایندگان روسیه (دوما) نیز، با ۴۴۵ رأی موافق و یک رأی مخالف با پیوستن جمهوری کریمه به روسیه موافقت کرد. به دنبال آن در روز جمعه، ۱ فروردین ۱۳۹۳ (۲۱ مارس ۲۰۱۴)، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، مصوبه پارلمان روسیه در مورد الحاق شبه جزیره کریمه به خاک این کشور را امضاء کرد و به این ترتیب، این مصوبه از نظر قوانین روسیه رسمیت یافت. همچنین ولادیمیر پوتین در نطق خود در برابر دومای روسیه پس از فراندوم مردم کریمه برای الحاق به روسیه اعلام کرد که: کریمه یک سرزمین ازلی روسی و سوستاپول یک شهر روسی می‌باشد (دهشیار، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

روس‌ها برای روسی‌سازی کریمه جنگ‌های فراوانی انجام داده‌اند و این منطقه برای روسیه هزینه‌های زیادی داشته است. در طول تاریخ روسیه برای تصاحب این منطقه جنگیده و کشته داده است. لذا بر این اساس روسیه به هیچ وجه از شبه جزیره کریمه عقب‌نشینی نخواهد کرد و به عبارت بهتر ارتباط خود را با آن قطع نخواهد کرد، زیرا شبه جزیره کریمه برای روسیه نان شب است. روسیه در گام نخست برای تسلط خود بر این منطقه در گام دوم دور کردن رقبای خود از این منطقه، تلاش‌های زیادی کرده است. این امر نوعی الزام و تعهد ژئوپولیتیک است. در این حال از دست دادن و

عقب‌نشینی از منطقه به منزله قبول انزوای جغرافیایی و فروکاستن هر چه بیشتر قدرت ملی این کشور و فضای حیاتی است. در این حال فضای حیاتی جزو خطوط قرمز هر کشوری است و پذیرش عقب‌نشینی از فضای حیاتی به منزله قبول عقب‌نشینی و کاهش وزن ژئوپولیتیکی در فضای بین‌المللی است. در این حال با پیوستن شبه‌جزیره کریمه به روسیه می‌توان شاهد تثبیت هر چه بیشتر نفوذ روسیه در دریای سیاه بود. یعنی در یک جمله بگوییم روسیه در دریای سیاه تثبیت می‌گردد. یعنی اگر اکنون در قالب پیمان‌هایی شبه‌جزیره کریمه در اختیار روسیه است و با توجه به تغییر دولت در اوکراین این امر در معرض خطر قرار می‌گیرد با پیوستن این شبه‌جزیره به روسیه یا استقلال آن نگرانی‌های روسیه از نظر جغرافیایی و ژئوپولیتیکی مرتفع خواهد شد. گذشته از این، مجموعه کشورهای که متحد غرب هستند و با غرب همراه هستند از قدرت‌یابی روسیه متضرر خواهند شد. این امر بیشتر متوجه ترکیه است. روسیه و عثمانی در گذشته در شبه‌جزیره کریمه جنگیده‌اند و سفر اخیر داوود اوغلو به اوکراین به دلیل همین امر بود. در واقع ترکیه دوست ندارد روسیه بر شبه‌جزیره کریمه مسلط باشد. چرا که ده درصد جمعیت تاتار با اوکراینی‌ها متحد هستند تا روس‌ها، لذا پیوستن کریمه به روسیه موجب بازنده شدن ترکیه می‌گردد (گفتگو با عطاءالله عبدی، سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، اسفند ۱۳۹۲).

همجواری این شبه‌جزیره با منطقه ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی قفقاز برای روسیه بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر قفقاز به کریدور مهمی برای انتقال انرژی تبدیل شده و از منظر ژئوپولیتیک اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. هم اکنون بیش از ۲۲ میلیون روس تبار در آسیای مرکزی و قفقاز زندگی می‌کنند به طوری که بیش از ۳۶ درصد از جمعیت قزاقستان، ۲۲ درصد جمعیت قرقیزستان، ۹ درصد جمعیت ترکمنستان، ۶ درصد از جمعیت آذربایجان و نیز گرجستان را روس‌ها تشکیل می‌دهند (کوزه‌گرکالجی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

۲-۲. تاریخچه سکونت تاتارهای مسلمان در شبه‌جزیره کریمه

به دلیل اینکه مسلمانان به عنوان اقلیت در شبه‌جزیره کریمه مطرح هستند، نظری کوتاه به تاریخچه سکونت و حضور آن‌ها در کریمه انداخته می‌شود. در اواخر جنگ جهانی

دوم، یعنی در ۱۱ ماه مه سال ۱۹۴۴، استالین، رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی، همه ساکنان مسلمان کریمه را که از قوم تاتار تشکیل می‌شدند و قرن‌ها در این شبه‌جزیره زندگی می‌کردند، به دلیل آنچه همکاری آن‌ها با نازی‌ها می‌خواند، به آسیای مرکزی تبعید و خانه، کاشانه و زمین‌های زراعی آن‌ها را مصادره و به روس‌ها واگذار نمود. در این روند، تقریباً نیمی از تاتارها به واسطه بیماری و علل دیگر جان باختند. اقدام در خصوص تبعید و انتقال تاتارها در تاریخ ۱۸ مه آغاز و در تاریخ ۲۰ مه همان سال به پایان رسید. در تلگرامی که از سوی کمیساریای ملی امور داخلی به عنوان استالین نوشته شده بود اعلام گردید: ۱۸۳ هزار و ۱۵۵ نفر تاتار در مدت ۲ روز به تبعیدگاه انتقال یافتند. البته در سال ۱۹۶۷ حکومت شوروی طی حکمی تاتارها را از اتهام همکاری با دولت نازی مبرا شناخت، ولی اقدامی در جهت احیاء حقوق و مراجعت آن‌ها به سرزمین مادریشان و استرداد املاکشان انجام نداد. در زمانی که تاتارها از کریمه تبعید شدند ۸۰ هزار مسکن از آن‌ها ضبط و توقیف شد؛ بسیاری از این خانه‌ها یا تخریب شدند یا مسیر راه‌ها از این خانه‌ها گذشتند یا ساختمان‌های جدید به جای آن‌ها ساخته شدند. (شیخ‌غفوری، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۷۳ و وثیق، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

آثار معتبر به جای مانده نشانگر آن است که ساکنان اولیه این شبه‌جزیره، کریمیان بوده‌اند که توسط سکاها در سده هفتم پیش از میلاد از آنجا بیرون رانده شدند. باقیمانده این قوم که به کوه‌ها پناه برده بودند بعدها به نام قوم تاوری شناخته شدند. در همان سده، یونانیان مستعمرات خود را در آن سواحل مستقر ساختند. پیش از سده هشتم در کریمه هنوز قومی ایرانی زبان بود که در منطقه‌ای که منطقه تات‌ها (طاط‌ایلی) نامیده می‌شد و در شهر معروف آن سغدق زندگی می‌کردند که ظاهراً از تبار آلان‌ها بوده‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶/۶/۲۰). بعدها، تاتارها با مهاجرت خود به این شبه‌جزیره، در سال ۱۴۴۰ تحت رهبری حاجی گیرای‌خان، حکومت خانات کریمه را تأسیس کردند. با قدرت یافتن آن‌ها در قرون بعدی و توسعه قلمرو نفوذ آنان در منطقه، تنها تشکیل حکومت توسط اقلیت مسلمان در این ناحیه در تاریخ ثبت شد. سراسر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم شهر سرای ولگا خود را فرمانروایان و حکام کریمه می‌دانستند. آنان این ادعا را با انتصاب حکام کریمه و ایالت، جلگه‌ای که مرکز قدرت و حاکم‌نشین آن در سولهات

بود به اثبات رساندند. این مرکز بعدها به نام اسکری کریم یا کریمه قدیم خوانده شد. این شهر به صورت مرکز اصلی تاتار در شبه جزیره تا تشکیل سلسله گبرای در نیمه قرن پانزدهم باقی ماند. اینجا در واقع مرکز مذهبی با مساجد، خانقاه‌ها، صومعه‌ها و مدارس با تمامی شیوخ، روحانیون و قضات به شمار می‌رفت (فیشر، ۱۳۷۶: ۱۳۸-۱۳۴ و وثیق، ۱۳۸۶: ۲۶۳). در ادامه روند تحولات، «در سال ۱۷۷۱ شبه جزیره کریمه به تصرف روسیه در آمد ولی در سال ۱۷۷۴ تحت الحمایگی روسیه بر کریمه خاتمه یافت و خانان در سایه روسیه تا حدودی استقلال خود را بدست آورد، طولی نکشید که در سال ۱۷۸۲ شاهین گرای آخرین خان تاتار کریمه از دیار خود اخراج و خانان کریمه جز قلمرو روسیه قلمداد گردید.» (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۴۲).

تاتارهای مسلمان از نظر فرهنگی، به دنبال یک زندگی مسالمت‌آمیز هستند. هرچند قبل از اتخاذ شیوه مسالمت‌آمیز، روابط میان تاتارها و روس‌ها، از دیدگاه تاریخی، دوره‌های متفاوتی را طی کرده است. «در طول تاریخ روس‌ها و تاتارها گاه با جنگ و خشونت بی حساب با یکدیگر رویارو شده‌اند و گاه نیز با آرامش در کنار هم زیسته‌اند. روس‌ها از دوران چیرگی مغول با عنوان یوغ اسارت تاتار یاد می‌کنند که از نظر آن‌ها بزرگ‌ترین بلائی نازل شده بر روسیه در تاریخ این کشور است. دوران نزدیک به ۲۰۰ ساله حکومت مغول‌ها که گروه‌های از آن‌ها بعدها مسلمان شدند، برجسته‌ترین نقطه رویارویی مسلمانان - مسیحیان در تاریخ روسیه است. [در حال حاضر،] تاتارها با روس‌ها بسیار همساز هستند، و به خاطر روحیه و شیوه زندگی متجدد این مردم، دولت مرکزی می‌کوشد شیوه زندگی و اندیشه‌های دینی تاتارها را - که در روسیه با عنوان اسلام اروپایی یا اسلام جدیدی از آن یاد می‌شود - در همه مناطق مسلمان‌نشین روسیه و حتی کشورهای پیرامون تبلیغ کند.» (کولایی و حسینی، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۲).

۲-۳. وضعیت گروه‌های قومی و دینی در شبه جزیره کریمه

طبق آمارگیری انجام شده در سال ۲۰۱۳ میلادی، بیش از ۱۲۰ گروه قومی در شبه جزیره کریمه زندگی می‌کنند. مطابق نظر کمیته جمهوری خواه وظایف دینی، در تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۸ میلادی، ۱۳۳۹ ارگان مذهبی در کریمه وجود داشته است. ۴۸ اقرارنامه تمایلات و عقاید مذهبی، ۱۳۰۶ انجمن مذهبی ثبت شده، ۲ مرکز مذهبی، ۶ فرمانداری

مذهبی، ۶ صومعه، ۴ اتحادیه مذهبی، و ۹ مؤسسه آموزشی - روحانی وجود داشته است. بر طبق همان مرجع، ۶۷۴ کمیته دینی ثبت نشده است که بیشتر آن‌ها یعنی ۶۱۲ تا از آن‌ها متعلق به مسلمانان بوده است. براساس وابستگی قومی - دینی، ۴۶ کمیته مسیحی در کنار ۳۸۶ کمیته مسلمان، وجود دارد. از این تعداد کمیته مسیحی: ۹ کمیته از کلیسای لوتران اונجلیک آلمانی، ۱۳ کمیته یهودی، ۷ کمیته کلیسای ارمنی وابسته به پاپ، ۹ کارایم، یک کلیسای کریماچاک، ۵ کلیسای یونانی ارتدوکس، و ۲ کمیته کلیسای تعمیدی کره‌ای‌ها؛ همچنین ۱۰۴۴ انجمن دینی - مذهبی براساس وابستگی قومی وجود دارد، یعنی ۵۰ درصد کل انجمن‌ها در شبه‌جزیره، مذهبی است.

امروزه، وضعیت کلی اقرارنامه‌های مابین قومی در شبه‌جزیره، برای ارتدوکس و اسلام، ۴۹۷ کمیته تخمین زده می‌شود (مظفرلی، ۲۰۱۱: ۲۹۰). این موضوع را می‌توان این گونه بیان کرد که این از ویژگی‌های منحصر بفرد در شبه‌جزیره است. در جدول شماره ۴، تعداد کمیته‌های قومی در این شبه‌جزیره نشان داده شده است. به عنوان مثال اقرارنامه‌های اقلیت اسلامی با دارا بودن بیشترین تعداد پیروان: ۹۹۸ انجمن، برای ۱۵ درصد از کل جمعیت کریمه ذکر شده است.

سیاست‌مداران، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و مردم عادی موافق هستند که روابط بین این دو قوم نسبتاً شکننده است. تاتارهای شبه‌جزیره کریمه، همه مسلمان هستند؛ بازگشت به موطن باستانی آن‌ها که تا دهه ۱۹۹۰ محل حکمرانی جمعیت اسلاوی‌ها بوده است، یک دیدگاه مذهبی جدید، برای قوم تاتار خلق کرده به گونه‌ای که اسلام با سرعت تبدیل به یک نیروی مؤثر و با نفوذ در میان آن‌ها شده است. تاتارهای شبه‌جزیره، اقلیت مسلمانان را شکل می‌دهند. یوری بابانوف می‌گوید: "مسلمانان کریمه به مدارای دینی تمایل دارند و این اثبات کننده این است که قصد آن‌ها، زندگی در صلح و آرامش با همه همسایگانشان است. اقرارهای میان مسلمانان و ارتدوکس‌ها، مدارایی دوجانبه را نشان می‌دهد. مفتیکریمه و سیتجلیل ابراهیمف از مسلمانان و اسقف اعظم سیمفروپول و بزرگان کریمه در انجمن بین‌الادیانی با شعار "صلح، هدیه خدایان" با یکدیگر در ماه نوامبر سال ۱۹۹۲ میلادی با هدف "هماهنگ

کردن یک گفتگوی بین‌الادیانی در کریمه " یک گردهمایی برگزار کردند (مظفرلی، ۲۰۱۱: ۲۹۱).

جدول شماره ۲- کمیته‌های متعارف قومی در جمهوری خودمختار کریمه

کمیته ثبت شده ثبت نشده جمع کل
مسلمان ۹۹۸ ۶۱۲ ۳۸۶
دیگر انجمن‌های متعارف قومی: ۴۶-۴۶
کلیسای وابسته به پاپ ارمنی‌ها،
کلیسای لوتران اونجلیک آلمانی‌ها،
یهودی‌های کارایم، ارتدوکس یونان
جمع کل ۱۰۴۴ ۶۱۲ ۴۳۲

منبع: مظفرلی، ۲۰۱۱: ۲۹۰

۲-۴. چالش‌های قومی و دینی در شبه‌جزیره کریمه

در طی زمان، مسأله دین در شبه‌جزیره کریمه، صورت سیاسی به خود گرفته است. رد کردن دین اسلام توسط حکام روسی در دوره‌ای از تاریخ روسیه تزاری، مسیحی کردن اجباری تاتارها در روسیه تزاری، خراب کردن مساجد و قتل عام مسلمانان در دوران ایوان مخوف (۱۵۲۲)، از نمونه‌های هستند که مسأله دین به عنوان موضوعی حساس در قلمروهای روسیه مطرح شده است. این در حالی است که در دوران حاکمیت مسلمانان (اردوی زرین)، هیچگاه این ستم‌هایی که در دوران بعدی بر مسلمانان روا شد بر مسیحیان اعمال نشد. در روسیه تزاری کلیسای ارتدوکس در تغییر دین تاتارها نقش مهمی داشته است. پترکیبر دستور داد زمینداران تاتار ۶ ماه فرصت دارند مسیحی شوند. مساجد نوساز تخریب می‌شدند و ساخت مسجد ممنوع شد.

در سال ۱۷۳۱ کمیسیون مسیحی کردن امور تشکیل شد. این فشارها در دوران کاترین دوم، کمتر شد. و به نوعی مسلمانان به برخی از حقوق از دست رفته خود، رسیدند. در سال ۱۷۹۴ مفتی کریمه باغچه‌سرای رسماً به عنوان رهبر جامع مسلمانان اعلام شد. این گام‌ها نشان دهنده آزادی دینی در برخی از دوره‌های امپراتوری روسیه بوده است (کولایی و حسینی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۳) با توجه به این عقبه قومی و دینی در قلمروهای روسیه تزاری، اخیراً در سال ۲۰۰۰ میلادی، برای جشن ۲۰۰۰ مین سالگرد ولادت مسیح، اسقف کریمه در سیمفروپول در محل سکونتش، صلیب‌ها را در خیابان، در

ورودی خانه‌های مسکونی بالا برد و همچنین مکان‌های مهم شبه‌جزیره کریمه، و مسیرهای اصلی را با پوسترهای بسیار بزرگ تزئین کردند که بر آن نوشته شده بود "کریمه گاهواره مسیحیان ارتدوکس است." این مسأله باعث شد مسلمانان به طور قابل پیش‌بینی متعصب و معترض شوند. انجام این عمل، بدون مشورت و خارج از مباحثه با انجمن بین‌الدیانی، باعث بالا گرفتن مناقشه در شبه‌جزیره شد. و گریگوریانتس، یک مقام دانشگاهی محلی برجسته، خاطر نشان می‌کند: این موضوع به دنبال آنچه که در کریمه، پایین آوردن صلیب نامیده می‌شود، می‌آید و روابط میان ارتدوکس‌های اسلواوی و انجمن‌های مسلمان تاتاری کریمه را بدتر می‌کند.

در تلاش برای ساکت کردن تنش‌ها به وسیله قانون، وضعیت را برای دولت کریمه بدتر می‌کند. در این راستا، دولت کریمه گام مهمی برداشت: دولت تصمیم ویژه‌ای را اتخاذ کرد که استانداردها را صرف‌نظر از بنا کردن یا مکان قرارگیری ساختمان‌ها در کریمه، تغییر دهد. از آن زمان به بعد، سوژه‌های فرهنگی تنها می‌توانند در ساختمان‌های فرهنگی، مکان‌های مقدس و نیایشگاه‌ها، مکان ارگان‌های مذهبی، گورستان‌ها و مکان‌های دفن مردگان، کوره‌هایی که لاشه مرده را در آن می‌سوزانند و خانه‌های شخصی هم با اجازه حکومت محلی و انجمن‌های انحصاری شورایی شهر، پس از مشورت با انجمن بین‌الدیانی کریمه انجام شود (چرونایا، ۲۰۰۸: ۳۰۰). انجمن بین‌الدیانی با شعار "صلح هدیه خدایان"، انتظار ترقی و گفت‌وگوی میان مسلمانان و ارتدوکس‌ها را دارد. زمان نشان می‌دهد، اگر چه آن‌هایی که صلیب را بالا بردند، در پیروی از قانون، خلافی مرتکب نشده‌اند. اما آن‌ها اختلافات جدیدی را بین مسلمانان و مسیحیان ارتدوکس به جریان انداختند.

اسوتلانا چرونایا در این باره می‌نویسد: رهبر روحانی مسلمانان کریمه، عضویت در انجمن بین‌الدیانی با شعار "صلح هدیه خدایان" را به حال تعلیق در آورد، در رأس این انجمن اسقف اعظم قرار داشت که اعتراضات شهروندان مسلمان را نادیده گرفت. امروزه، اگرچه دین موضوع واضح و روشن شده‌ای است اما مفهوم "تعلیق" به معنی نبود حاکمیت روحانی مسلمانان، برای مدت ۷ سال در انجمن مطرح بوده است، که به معنای این است که روابط بین مسیحیان ارتدوکس و مسلمانان بحرانی است.

یکی دیگر از مواردی که باعث مناقشه شده، تخریب قبرستان مسلمانان در روستای اواروکا بود که از سوی روزنامه‌نگاری به نام لینور اونسف از روزنامه ایزوستیا، این گونه گزارش داده شد: در ساعت کمی مانده به ۱۰ صبح، جنایتکاران در یک عمل بی‌سابقه در حمله به قبرستان مسلمانان، به بیش از ۲۷۰ قبر توهین و ۲۲۰ سنگ قبر را تخریب کردند. همچنین آن‌ها سگ نگهبان را کشتند.

مسلمانان معتقد بودند که این عمل یک اقدام از پیش برنامه‌ریزی شده بوده است. از سوی مقامات محلی این عمل نیز با واکنش روبرو شد: رئیس مجلس منطقه نیژگرسک، مصطفی سلمانف گفت: چنین اقدامی در زندگی روزمره و به طور معمول انجام نمی‌شود و این یک اقدام برنامه‌ریزی شده است. همچنین لینور ممدلیف، رئیس بخش روابط بین قومی اداره منطقه نیژگرسک متقاعد شده بود که این عمل به معنای نزاع مذهبی در منطقه است. او به روزنامه‌نگار ایزوستیا گفت "در اینجا گورستان مسلمانان خراب شده و قبرستان مسیحیان دست نخورده باقی مانده است. به نظر می‌رسد که کسانی دستور این جرم و جنایت را صادر کرده‌اند، انتظار می‌رود تاتارهای کریمه به قبرستان مسیحی با سرعت حمله کنند، در نتیجه شعله‌ور شدن یک درگیری را به همراه خواهد داشت. صحنه دلخراش است: مردم در حال گریه و گریه. این یک تراژدی است (مظفرلی، ۲۰۱۱: ۲۹۷).. به طور کلی در ارتباط با چالش‌های میان مسیحیان و مسلمانان می‌توان این موارد را برشمرد:

۱. یکی از موارد درگیری میان جوامع مسیحی ارتدوکس سیمفروپول و اسقف‌نشین کریمه با مسلمانان، مربوط به انتخاب طرح زمین برای ساخت کلیسای بلند و مرتفع در خیابان مارشال بود که در مجاورت منطقه مسکونی تاتارهای کریمه تبعید شده در حومه شهر سیمفروپول بود؛ در حالی که زمین خالی به اندازه کافی در شهر نیز وجود داشت. مقامات جمهوری خواه، که به خوبی از پتانسیل مناقشه در این مسأله آگاهی داشتند، نه تنها جامعه ارتدوکس را برای استفاده از زمین مجوز دادند، بلکه در تصمیم خود با وجود اطلاع از تظاهرات شدید از سوی مسلمانان، مصرانه، اصرار داشتند. این در حالی است که تصمیم فوق برخلاف تبصره ۳۳ از اقرارنامه شماره ۱۳ فوریه ۲۰۰۱، در انجمن

بین‌الادیانی بود. درگیری‌ها پس از تظاهرات‌های متعدد، خطاب به دولت و رسانه‌ها ریشه‌یابی شد.

۲. در مارس سال ۲۰۰۱ میلادی، تنش مبنی بر قصد جامعه محلی ارتدوکس برای ساخت یک کلیسا در کیلس-بایرهیل شکل گرفت. این کلیسا در محل کلیسای قرون وسطی مسیحی در روستای گلابینکا که در قرن ۱۸ میلادی ناپدید شده بود، می‌خواست ساخته شود. این مسأله یعنی کلیسای قرون وسطی مسیحی از سوی یکی از اعضای جنبش تاتارهای کریمه که معلول جنگی بوده و در حال حاضر در قید حیات نیست برملا شد. وی این موضوع را از طریق سایت اطلاع یافته بود مبنی بر اینکه کلیسا مربوط به اسقف قسطنطنیه بوده و ربطی به اسقف مسکو ندارد. کشمکش‌ها به تدریج افزایش یافت و تا تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی به اوج خود رسید تا آنجا که رویارویی بین اسلاوها و تاتارها محلی کریمه حتی بیشتر و علنی شد، تا آنجا که قزاق‌های محلی که به شبه جزیره کریمه نقل مکان کرده بودند، نیز وارد جنگ شدند.

۳. یکی دیگر از موارد درگیری‌ها در باخچیساریا بود که به دنبال سوءقصد به جان راهب بزرگ صومعه دورمیشن اتفاق افتاد. یکی از دلایل این سوءقصد این بود که مسلمانان مایل به بازدید از زیارتگاه مسلمانان، باید تحت یک نماد مسیحی به زیارت می‌رفتند.

۴. از موارد عجیب و غریب دیگر از درگیری‌ها، مربوط به خدمات اجتماعی است. سکولارهای کریمه معتقد بودند که یک بنای مذهبی مسیحی در ابتدای ورود به شهر در منطقه مسکونی احداث گردد، تا از مردم بازرسی صورت گیرد. این در حالی بود که مخالف شعار صلح هدیه‌ای از خداوند است بود و انجمن بین‌الادیانی در این قضیه دخالت کرد. درگیری‌ها با تخریب پایه صلیبی که افراشته بود از سوی تاتارهای تبعیدی که از سال ۱۹۴۴ میلادی به کریمه تبعید شده بودند آغاز شد، با دخالت نیروهای محلی قزاق و روس‌ها، جنگ و درگیری شروع شد.

۵. با این حال، این پایان داستان نیست؛ تضاد از این نوع دوباره شکل گرفت، در ۱۶ ماه مه سال ۲۰۰۶ میلادی شورای شهر، از تسلیم یک شکایت اداری از سوی دادگاه اقتصادی جمهوری خودمختار کریمه در برابر تصمیم دولت مبنی بر اینکه در یک

مناقصه عدد ۳ را با تکرار شماره ۳۳ برنده بود آغاز شد. این به این معنی است که روابط بین مذاهب در شبه جزیره مستعد ابتلا به بی‌ثباتی خواهد بود (مظفرلی، ۲۰۱۱: ۲۹۹).

موارد فوق، پتانسیل گسترده‌ای از رویارویی دینی در کریمه در امتداد خطوط گسل میان مسیحیان ارتدوکس - اسلام، که منجر به رویارویی‌های قومی بین اسلاوها و تاتارهای کریمه شده را ایجاد کرده است. در جدیدترین مسأله برای مسلمانان، اینکه آهتم چیگوس از رهبران تاتارهای کریمه، به اتهام تحریک توده مردم به بی‌نظمی به ۸ سال زندان محکوم شده است. به گفته دادگاهی در کریمه، در سال ۲۰۱۴ آهتم چیگوس مردم را برای تظاهرات علیه الحاق این شبه‌جزیره به روسیه به خیابان‌ها فرا خواند و این بی‌نظمی منجر به کشته شدن چند تن شد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶/۶/۲۰). قابل ذکر است که تمامی مسلمانان تاتار، خواهان پیوستن به روسیه نیستند.

جدول شماره ۳- بزرگ‌ترین اختلافات قومی - دینی در کریمه از سال ۲۰۰۰ میلادی

ردیف تاریخ شرح نتیجه

۱	اکتبر ۲۰۰۰ صلیب کنار جاده بالا می‌رود در (Mount kamatra) رویدادی بر اثر کارهای مقلدانه در دهکده (Mirskoe) شهر (Sudak) که به وسیله مسلمانان رفع شد.
۲	اکتبر ۲۰۰۰ صلیب کنار جاده بالا می‌رود در (Inkerman) در رویدادی بر اثر کارهای مقلدانه (Sevastopol) که به وسیله مسلمانان رفع شد.
۳	نوامبر ۲۰۰۰ صلیب کنار جاده بالامی‌رود در منطقه مسکونی رویدادی که به یک اختلاف نهفته (kirovskoe) به وسیله مسلمانان رفع شد. گسترش یافت.
۴	نوامبر ۲۰۰۰ صلیب کنار جاده بالا می‌رود در دهکده (Maznka) رویدادی که به یک اختلاف نهفته ناحیه (Simferopol) که به وسیله مسلمانان رفع شد. گسترش یافت.
۵	آوریل ۲۰۰۱ انجمن مسلمانان شهر (Saki) تقاضا کرد که هیچ اختلاف پیدا نشود. صلیب کنار جاده در ورودی شهر بالا نرود.
۶	جولای ۲۰۰۱ برخوردهای بین مسلمانان محلی و اعمال قانون بدنی در رویدادی که به یک اختلاف نهفته
	صومعه (HolQydormition) و (zingyvly madrasah): گسترش یافت. مسلمانان خواستار صلیب کشیدن در زمین صومعه شدند (نزدیک به ۴۷ هکتار زمین صومعه منتقل شد تحت یک عمل رسمی) برای رسیدن به محل دفن مسلمانان در (Gazy Mansur)
۷	ژوئن ۲۰۰۵ اعتراضات زیادی توسط مسلمانان شهر (Armiansk) صورت گرفت اختلاف اتفاق نیفتاد. درباره بالا بردن صلیب کنار جاده و در ورودی شهر
۸	اگوست ۲۰۰۵ اعتراضات زیادی توسط ساکنین (که همه آن‌ها مسلمان بودند) اختلاف اتفاق افتاد. در خیابان (Marshal) (Zhukov) در مورد ساختمان کلیسای ارتدوکس در حیاط آپارتمان ملک آن‌ها

Source: Muzaffarli, 2011, 3-4(297-298)

۳. تجزیه و تحلیل یافته ها

تحلیل مناقشات قومی- دینی در شبه جزیره کریمه در این مقاله، براساس نظریه نظام بین‌المللی و کشمکش‌های قومی تبیین شده است. این نظریه که توسط افرادی مانند جان برتون بحث شده است، معتقد است که سیاست، قدرت‌مندان در روابط بین‌الملل، که سرچشمه آن مکتب واقع‌گرایی سیاسی است مشوق گسترش قومیت در کشمکش‌های قومی بوده و به آن دامن می‌زند. البته در ارتباط با این نظریه لازم به ذکر است که «اکثر پژوهشگران مطالعات قومی، اهمیت عنصر خارجی را نادیده گرفته یا به آن کمتر توجه داشته‌اند. آن‌ها بیشتر در جستجوی ۲ عامل داخلی بسیج قومی و ظهور ناسیونالیسم قومی بوده‌اند تا عوامل خارجی. در آثار مربوط به رابطه میان کشمکش قومی و روابط بین‌الملل، غالباً بر علل مداخله خارجی در کشمکش‌های محلی، نقش و نفوذ گروه‌های قومی مختلف در سیاست خارجی یک دولت، یا این واقعیت تکیه شده است که نظریه روابط بین‌الملل مسأله قومیت را نادیده گرفته است. واقعیت این است که گرچه واقع‌گرایی مسأله قومیت و کشمکش قومی را در مباحث نظری نادیده گرفته است، اما اعمال سیاست قدرتمندان در روابط بین‌الملل که سرچشمه آن مکتب واقع‌گرایی است، مبارزات و کشمکش‌های قومی را گسترش داده است. سلطه سیاست قدرتمندان در دوران معاصر، باعث مداخله سیاسی و نظامی خارجی در این کشمکش‌ها شده است» (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۵-۱۶۴).

این دخالت قدرتمندان سیاست را می‌توان در توجهات روسیه در این جمهوری خودمختار مشاهده کرد. مداخله روسیه در این شبه جزیره که بعد از سال ۱۹۵۴ به عنوان بخشی از اوکراین بوده است، به شکل ادعا مبنی بر این که این شبه جزیره از نظر قومی روسیه‌ای هستند، بروز می‌کند (یوکومی، ۲۰۱۷: ۳۵).

جمهوری خودمختار کریمه به عنوان یکی از مناطق پیرامونی و ژئواستراتژیک روسیه، با چالش‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه است. این جمهوری با همجواری در منطقه قفقاز به عنوان یکی از قلمروهای ژئواستراتژیک روسیه در تفکرات دولتمردان این کشور قرار دارد. در شبه جزیره کریمه، حوادث دینی پیرامون

بیگانه ستیزی و احساسات ضد اسلامی می‌باشد که بعضاً توسط رسانه‌ها به آن دامن زده می‌شود، و پر از ایده‌های تحریف شده در مورد اسلام است که آن را در حال حاضر به عنوان یک مذهب رادیکال و تهاجمی معرفی می‌کنند. شعارهای ضد تاتار و ضد اسلاو برای رسانه‌های جمهوری‌خواه بسیار محبوب است، نتایج این امر را در نقاشی‌های روی دیوار که توهین می‌کنند و اعمال خرابکاری که در قبرستان مسلمانان انجام می‌دهند؛ می‌توان مشاهده کرد.

تجزیه و تحلیل دقیق‌تر از درگیری‌ها، در جدول ۵ نشان می‌دهد که همه آن‌ها به خوبی برای پیشبرد برخی اهداف، برنامه‌ریزی شده‌اند. نیروهای محرک و بزرگ‌ترین اختلافات بین ادیان نشان داده شده است. این جدول به وضوح نشان می‌دهد که در برخی مناسبت‌ها، یکی از طرفین شروع کننده به درگیری می‌باشند. تجزیه و تحلیل، اعمال تقلیدی را نشان می‌دهد که درگیری‌ها برنامه‌ریزی شده و عمدتاً به آن‌ها دامن زده می‌شود. مشکل از هیچ چیز، ظاهر می‌شود و به دنبال آن، به طور زنجیره‌ای در محدوده زمانی معینی، برخی از حوادث مانند یک واقعه مذهبی به نقطه جوش می‌رسد، به گونه‌ای که گروه‌های نسبتاً سیاسی (اعضای Mejlises منطقه‌ای، قزاق‌ها، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران، و دیگران) را به سمت خود جلب می‌کند؛ درگیری‌ها، پس از مذاکرات طولانی مدت توسط رهبران و سران جمهوری خودمختار از ساختارهای قدرت مربوطه، حل و فصل می‌شود.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تعدادی از حوادث ناگوار در حوزه دینی به تدریج در حال رشد و همراه با نمونه‌هایی از بیگانه ستیزی و اسلام هراسی است. این برخلاف قوانین و مقرراتی می‌باشد که در دولت تصویب شده است، و همچنین برخلاف فرمان ریاست جمهوری مبنی بر اقدامات فوری برای تسویه نهایی از پیامدهای منفی سیاست توتالی‌تر در جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق در ارتباط با دین و اصلاح حقوق نقض شده درباره کلیساها و سازمان‌های مذهبی است. از ۲۱ مارس سال ۲۰۰۲ میلادی، شبه‌جزیره کریمه عرصه رویارویی "مقامات جوامع مسلمان" قرار داشته است. آنچه عجیب و غریب به نظر می‌رسد، رفتار مقامات از احداث موانع مصنوعی در برابر گروه‌های مسلمان است؛ برای مثال موانعی مانند ندادن زمین برای ساخت ساختمان

مسجد و آزادی برای بازگشت فرقه‌ها و سایر دارایی‌های دینی که به آنان در گذشته تعلق داشته و در صورت ابراز تمایل به استرداد آن‌ها، گناه محسوب می‌شود. این امر به ویژه در سیمفروپول، و شهرهای ساحلی اتفاق می‌افتد. برخی از نمونه‌های این موضوع را می‌توان این گونه بیان کرد:

۱. در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفتی کریمه برای اولین بار با مطرح ساختن ساخت یک مسجد اصلی در سیمفروپول، از مقامات شهر نظرخواهی کردند.

۲. در سال ۲۰۰۰ میلادی به دلیل انتقال کاربری مسجد به فروشگاه، مسلمانان اعتراض کردند و به دادگاه شکایت کردند که با کم کاری مقامات دادگاه روبه‌رو شدند.

۳. در سال ۲۰۰۴ میلادی پس از مشاوره‌های زیاد، اداره مذهبی مسلمانان کریمه در نهایت ۲/۷ هکتار زمین در منطقه ۲۲ به دست آورد. این در حالی است که براساس ملاحظات سیاسی، نمایندگان شورای شهر سیمفروپول تصمیمات از سوی ساختارهای اجرایی شهرستان را رد می‌کنند.

۴. از سال ۲۰۰۴ میلادی جامعه مسلمانان صبر و بردباری بیشتری پیشه کرده‌اند و مبارزه برای یک طرح مورد نیاز برای ساخت یک مسجد در ناحیه بالکاپتروسکایا در سیمفروپول با جمعیت بیش از ۳ هزار مسلمان، را دنبال می‌کنند.

۵. به مدت هشت سال، نمایندگان شورای شهر آلوشتاحاضر به اختصاص دادن زمین برای بازسازی مسجدهای تاریخی آشاجامی شدند. مسئولان بعد از یک سری از راهپیمایی‌های انبوه و تهدید به اعتصاب غذا در چادرهای که در اردوگاه زده بودند؛ عقب‌نشینی کردند.

۶. مسلمانان کریمه در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۸ میلادی به تصمیمات شورای شهر سیمفروپول اعتراض کردند. تمام کانال‌های تلویزیونی در کریمه، ابراز خشم نمایندگان مردم را نشان داد و اشاره کرد که کلیساهای ارتدوکس مانند قارچ در حداقل ۱۰ قطعه زمین در بهترین مکان‌های شهر رویده‌اند، در حالی که شورای شهر از اختصاص زمین برای ساخت مسجد، امتناع می‌کند.

در ارتباط با این تبعیض‌ها، یک دیدگاه این است که مقامات کریمه باید در فرو نشانیدن احساسات دخالت کنند و این کار با اجماع در میان نخبگان مذهبی، ملی و سیاسی

امکان‌پذیر است. تاکنون چشم‌انداز این اجماع تیره به نظر می‌رسد. در صورت عدم اقدامات پیشگیرانه در حوزه‌های قومی و دینی، صلح پایدار، امکان‌پذیر نیست. اگر روند تبعیض‌ها ادامه یابد، و در صورتی که تعداد درگیری‌های دینی و اعمال خرابکاری در رابطه با نمادهای اسلامی و تاتارها افزایش یابد، و اگر رفتار بد مقامات در برخورد با جوامع مسلمان نیز ادامه یابد، وضعیت مطمئناً تشدیدتر خواهد شد. تاکنون، مقامات دولتی نشان داده‌اند که هیچ علاقه‌ای به انجام مطالعات عینی و سیستماتیک از فرایندهای این جریانات در حوزه قومیت‌ها ندارند. آن‌ها حاضر به بررسی ماهیت درگیری‌های آغاز شده توسط سازمان‌های مذهبی ندارند و اقدامات مؤثر و پیشگیرانه‌ای را انجام نداده‌اند. اس.کانیتسن، رئیس اداره شهر سیمفروپول، که برای بیش از شش سال در رأس این اداره بوده است، اشاره می‌کند: "مقامات مرکزی در کیف باید متوجه شده باشند که هیچ مفهوم سیاست قومی در کریمه وجود ندارد، حتی اگر وضعیت بسیار پیچیده‌تر از این باشد." دولت می‌تواند به تمام اقوام و ادیان برای زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر در شبه‌جزیره کمک کند. دولت و کلیه مذاهب باید از وظایف کلیدی مانند توسعه و حفظ کیفیت بالای اخلاقی، آموزش و پرورش اخلاقی نسل جوان، و بردباری مذهبی در شبه‌جزیره استقبال کنند.

نتیجه‌گیری

روسیه به عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان امروز، در راستای اهداف توسعه طلبانه خود، در اوراسیا و منطقه قفقاز، نفوذ دارد. حضور بیش از ۲۲ میلیون روس تبار در این مناطق، برای روسیه به عنوان یک اهرم در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی می‌باشند. روسیه خواهان حفظ جمهوری خودمختار کریمه است، و با بازپس‌گیری آن از کشور اوکراین در سال ۲۰۱۴ نشان داده است که همواره این شبه‌جزیره مورد توجه این کشور می‌باشد؛ روسیه در این شبه‌جزیره دارای ناوگان دریایی در سوستاپول می‌باشد و بیش از ۵۰ درصد مردم ساکن در کریمه روسی هستند. تاتارهای مسلمان که ریشه مغولی دارند از قرن‌ها قبل، در کریمه ساکن بوده‌اند؛ در قرن چهاردهم و پانزدهم با تأسیس حکومت خانان کریمه، بر این منطقه حکومت کرده‌اند. با روند تحولات شکل گرفته در قلمرو روسیه، حاکمیت خانان کریمه پایان یافت و روس‌ها، مسلط شدند. پیشینه خشونت و

درگیری میان روس‌ها و تاتارها، باعث شده تا روابط میان آن‌ها در قالب مناقشات قومی-دینی برای مسلمان و مسیحیان خدشه‌دار شود. این مسأله امروزه همچنان نیز پابرجا مانده است.

در حال حاضر تفاوت‌های قومی-دینی موجب چالش‌ها و اختلافاتی در این شبه‌جزیره شده است؛ این اختلاف‌ها با توجه به نظریه نظام بین‌المللی و کشمکش‌های قومی مورد تبیین قرار گرفته، و براساس یافته‌های تحقیق، مشاهده می‌شود که دخالت سیاست و عنصر خارجی به طور قدرت‌مندانه، نقش برجسته‌ای در برهم زدن روابط میان مسیحیان و مسلمانان دارد. مواردی از قبیل تصمیمات مقامات دولتی و اسقف‌ها با تفکرات روسی‌گرایی، اکثریت ارتدوکس روسی که از سوی روسیه حمایت می‌شوند، در ایجاد تنش‌ها نقش دارند. مسیحیان ارتدوکس با تاتارهای مسلمان روابط خوبی ندارند. درگیری‌ها و تظاهرات گسترده‌ای که از سوی هر کدام از این اقوام در راستای زیر سؤال رفتن ارزش‌های دینی آن‌ها به وجود می‌آید، نشان از وضعیت ژئوکالچری نامناسب در این جمهوری خودمختار دارد. حضور بیش از ۱۲۰ گروه قومی-مذهبی در این جمهوری خودمختار به عنوان یک پتانسیل چالش برانگیز مطرح می‌باشد. تاتارهای مسلمان و تاتارهای کریمه نزدیک ۱۵ درصد از جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو مسلمانان از نظر کمیت در اقلیت هستند. هر چند انجمن بین‌الادیان ایجاد شده است اما به دلیل همراهی نکردن دولت در رفع اختلافات میان گروه‌های قومی-دینی، این گروه‌ها، بعضاً به دلایل جزئی نیز با یکدیگر درگیری پیدا می‌کنند. برای مثال در برخی مواقع برای ساخت یک مسجد یا کلیسا یا صومعه که در کجای شهر باشد، میان مسلمانان و مسیحیان خشونت و درگیری شکل می‌گیرد. بنابراین با توجه به سابقه تمدنی مسلمانان و مسیحیان و ویژگی‌های جغرافیایی این شبه‌جزیره، که از نظر ژئوپولیتیکی نیز مهم است، از دیدگاه ژئوپولیتیک اقلیت‌ها، دارای اقلیت قومی-دینی می‌باشد و همچنین از منظر ژئوکالچر (که به بررسی چالش‌های فرهنگی می‌پردازد)، مسیحیان ارتدوکس و تاتارهای مسلمان دارای تعارضات و چالش‌های قومی-دینی هستند.

منابع

- احمدی، ح. ۱۳۹۵. قومیت و قوم‌گرایی در ایران افسانه و واقعیت. تهران: نشر نی، چاپ دوازدهم، ۴۴۷ ص.
- احمدی، ع. ۱۳۸۹. نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ: مطالعه موردی: تشیع در ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، ۶ (۱): ۳۷-۷۴.
- امیراحمدیان، ب. ۱۳۹۱. جغرافیای کامل قفقاز. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول،
- امیراحمدیان، ب. ۱۳۸۷. بحران گرجستان: طرف‌های درگیر، علت‌ها و پیامدها. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مهر و آبان، ۲۲ (۱ و ۲): ۱۰۳-۸۶.
- برادن، ک.، شلی، ف. ۱۳۸۳. ژئوپلیتیک فراگیر. ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دافوس، چاپ اول، ۴۰۰ ص.
- پوراحمد، آ. ۱۳۸۶. قلمرو و فلسفه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۳۷۶ ص.
- پیشگاهی فرد، ز. ۱۳۸۶. فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات انتخاب، چاپ اول، ۸۲۵ ص.
- حافظنیا، م. ۱۳۸۵. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پایلی، چاپ اول، ۴۰۰ ص.
- حیدری، غ. ۱۳۸۳. ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر. مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۲۹ اردیبهشت، تهران، ص ۱۹۴.
- دهشیار، ح. ۱۳۹۳. گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویاروی برای شبه جزیره کریمه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲ (۹): ۱۷۹-۲۰۱.
- رستمی، م. ۱۳۹۳. بحران اوکراین، زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرامنطقه‌ای. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱ (۸۵): ۳۵-۶۵.
- شوتار، س. ۱۳۸۶. شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی. ترجمه سیدحامد رضیعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۲۷۵ ص.
- شیخ‌غفوری، ۱۳۸۲. تاتارهای تبعید شده کریمه. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال یازدهم، ۴۱ (۳): ۲۷۳-۲۷۶.
- عبدی، ع. ۱۳۹۲. اهمیت ژئوپولیتیکی شبه‌جزیره کریمه برای بازیگران. سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، اسفند
- فیشر، آ. ۱۳۷۶. تاتارهای کریمه. ترجمه الهامه مفتاح، مجله ایران شناخت، ۱ (۴): ۱۶۲-۱۳۳.
- قاسمی، ف. ۱۳۸۹. مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، ۶ (۲): ۵۷-۹۴.
- کرنگ، م. ۱۳۸۳. جغرافیای فرهنگی. ترجمه مهدی قرخلو، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۲۷۲ ص.

- کوزه‌گرکالچی، و. ۱۳۸۷. نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان، ۲۳ (۱ و ۲): ۱۰۴-۱۲۲.
- کولایی، آ.، حسینی، م. ۱۳۹۱. هویت سه‌گانه تاتارها؛ اسلامی، تاتار و روس. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴ (۴۲): ۹۱-۱۰۵.
- گلی‌زواره، غ. ۱۳۷۲. تاتارهای مسلمان. مجله پاسدار اسلام، اسفند، (۱۴۷): ۴۵-۴۰.
- مجتهدزاده، پ. ۱۳۸۱. جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۳۸۲ ص.
- میرحیدر، د. ۱۳۸۶. مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۷۴ ص.
- وثیق، ج. ۱۳۸۶. مسلمانان اوکراین. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، ۶۰ (۴)، ۲۶۸-۲۶۳.
- هاروی، د. ۱۳۸۶. نتولیبالیسم تاریخ مختصر. ترجمه محمد عبدالله‌زاده، تهران: انتشارات اختران، چاپ اول، ۳۲۰ ص.
- Chervonnaia, S. 2008. Islam and Christianity in the Crimea: a Dialogue or 'Clash of Civilizations'. Avdet, No. 5, 4 February. <http://www.ca-c.org>.
- Chervonnaia, S. op. cit. 2009. Shtormovoe preduprezhdenie, "Krymski yobozrevatel, No.48, 27 November
- Muzaffarli, Nazism. 2011. Central Asia and the Caucasus, Guam: from a Tactical Alliance To Strategic Partnership, Journal of social and political studies, 3-4 (51-52). <http://www.ca-c.org>.
- Marxsen, Christian. 2014. The Crimea Crisis, An International Law Perspective; <http://www.zaoerv.de> © 2014, Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht.
- Ukomi, Macaulay Peter. 2017. Nigerian Federalism, Boundaries across Ethnic Lines: Trapped Majority and Stranded Minority Since 1960; Research Journal of Humanities, Legal Studies & International Development Hard Print:2536-6564 Online:2536-6572 Vol.2, No. 1 April, <http://nationalpolicybrief.org/journals/international-scientific-research-consortium-journals/research-jrnl-of-humanities-legnl-of-humanities-legal-studies-intl-de-al-studies-intl-dev-vol2-no1-april>.
- V.E. Gregorian's. 2008. Kvoprosu o go sudarstvenno confessional' nykhotnosheniakh v Ukraine I ARK, Supplement to the Kareem skiyarkhiv journal, Simferopol.
- www.ciafactbook.com
- www.wikipedia.com